

تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و قلدری سایبری براساس نقش میانجی‌گر صفات
تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی

Explaining the causal relationships between attachment styles and cyberbullying based
on the mediating role of dark personality traits in adolescent social media users

Foroozesh Salami

Ph.D. Student of Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Farhad Jomehri *

Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

farhadjomehri@yahoo.com

Bitā Nasrollahi

Assistant Professor, Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Robabeh Noury

Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

فروزش سلامی

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فرهاد جمهری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

بی‌تا نصراللهی

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ربابه نوری

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Abstract

This research was conducted to examine the mediating role of dark personality traits in the relationship between attachment styles and cyberbullying among adolescent social media users. The present study was a descriptive-correlational research of the structural equation model type. The statistical population included all male and female students in Tehran's first and second stages of secondary education during the academic year 2023-2024. A cluster sampling method was employed to select 400 individuals who completed the questionnaires. The tools used in this research included the Cyberbullying-Victimization Experience Questionnaire (CBVEQ, Antoniadou et al., 2016), the Revised Adult Attachment Scale (RAAS, Collins & Read, 1990), and the Dark Triad Personality Traits Scale (DTDDS, Jonason & Webster, 2010). Data were analyzed using structural equation model. The results of the structural equation model indicated a good fit for the model. The findings showed that secure and ambivalent attachment styles directly predicted cyberbullying ($p < 0.01$). Additionally, secure, avoidant, and ambivalent attachment styles were able to indirectly predict cyberbullying through dark personality traits ($p < 0.01$). These results suggest that attachment styles, considering the significant role of dark personality traits, can elucidate cyberbullying among adolescent users. Therefore, paying attention to these factors and their interactions in programs aimed at reducing cyberbullying is essential.

Keywords: Attachment Styles, Dark Personality Traits, Cyberbullying.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی صفات تاریک شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و قلدری سایبری در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول و دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای نمونه‌ای به تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه تجربه قلدری- قربانی سایبری (CBVEQ، آنتونیادو و همکاران، ۲۰۱۶)، مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسال (RAAS، کالینز و رید، ۱۹۹۰) و مقیاس سه صفت شخصیت تاریک (DTDDS، جانسون و وبستر، ۲۰۱۰) بودند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی قلدری سایبری بودند ($p < 0.01$). همچنین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا توانستند به صورت غیرمستقیم و از طریق صفات تاریک شخصیت، قلدری سایبری را پیش‌بینی کنند ($p < 0.01$). این نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش مهم صفات تاریک شخصیت می‌توانند تبیین‌کننده قلدری سایبری در کاربران نوجوان باشند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش قلدری سایبری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، صفات تاریک شخصیت، قلدری سایبری.

در دنیای امروز، با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نوجوانان به دنیایی تازه و بدون مرز از روابط اجتماعی و ارتباطات وارد شده‌اند که چالش‌های زیادی را به همراه دارد (ژو^۱، ۲۰۲۳). از یک سو، این پیشرفت‌ها برای آنان امکاناتی همچون دسترسی سریع به اطلاعات فراوان، ارتباطات آسان با دیگران و تجارب جدید را فراهم کرده و از سوی دیگر، موجب بروز مشکلات و آسیب‌هایی نیز شده است (کیم^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). قلدری سایبری^۳ یکی از آسیب‌های جدی فضای مجازی است. قلدری سایبری به عنوان رفتارهای آزاردهنده‌ای که از طریق فضای مجازی به انجام می‌رسند (تنگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۴) و آسیب عمدی و مکرر وارد شده از طریق رایانه، تلفن همراه و سایر دستگاه‌های الکترونیکی تعریف می‌شود؛ معمولاً شامل پست‌ها، نظرات یا پیام‌های آسیب‌رسان، شرم‌آور یا تهدیدآمیز در رسانه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های بازی یا از طریق متن است (پاتچین و هیندوجا^۵، ۲۰۲۰) که با هدف تخریب، تحقیر یا فشار به اشخاص از سوی فرد یا گروهی انجام می‌شود (پاسکوال-سانچز و نیکولز^۶، ۲۰۲۳). شبکه‌های اجتماعی تأثیرات منفی قلدری در این شبکه‌ها را از شش جنبه عمدی بودن، تکرار، عدم تعادل قدرت، ناشناس بودن، در دسترس بودن و عمومیت تشدید می‌کنند. این سایت‌ها به دلیل اتصالشان، توانایی درگیر کردن افراد متعدد در تعاملات اجتماعی آنلاین را دارند (چان^۷ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ بنابراین قلدری سایبری، فضای مجازی جدیدی را برای بیان رفتارهای خشونت‌آمیز ارائه می‌دهد که موضوع مورد علاقه، ناشناس بودن در اینترنت است (چان و وانگ^۸، ۲۰۱۹). این نوع قلدری مشکلی است که بر بخش معنی‌داری از نوجوانان تأثیر می‌گذارد زیرا آن‌ها از ارتباطات و تعامل آنلاین استقبال می‌کنند. پژوهش‌ها تعدادی از پیامدهای منفی در دنیای واقعی را، هم برای کسانی که قلدری می‌کنند و هم برای کسانی که هدف قلدری هستند شناسایی کرده‌اند. در دوران نوجوانی، بسیاری از انتخاب‌های رفتاری تحت تأثیر نقش عوامل اصلی اجتماعی از جمله دوستان، خانواده و افراد بزرگسال در مدرسه قرار می‌گیرند (گوها^۹ و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر قلدری سایبری، سبک‌های دلبستگی است (کانستراری^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳). دلبستگی یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روان‌شناسی معاصر است که به تکوین پیوندهای عاطفی اشاره دارد. از نظر بالبی (۱۹۷۷)، بین تجربه‌های دوران کودکی فرد با والدین خود و رفتار والدینی بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد. طبق نظریه دلبستگی، انسان‌ها تمایل دارند با افراد خاص پیوند عاطفی قوی برقرار کنند (لندن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). بالبی فرض کرد که به منظور حفظ نزدیکی بین نوزاد و مراقبان تحت شرایط خطر و تهدید، یک نظام دلبستگی گسترش پیدا می‌کند. دلبستگی الگویی است که بر مبنای روابط اولیه فرد با والدین یا مراقبین خود شکل می‌گیرد و به مناسبات و روابط بین فردی در آینده منجر می‌شود. این الگو می‌تواند ایمن^{۱۲}، ناایمن اجتنابی^{۱۳} و ناایمن دوسوگرا^{۱۴} باشد (سان و میلر^{۱۵}، ۲۰۲۳)؛ بنابراین، می‌توان گفت بر اساس نظریه دلبستگی تعامل‌های اولیه والد-کودک به گسترش بازنمایی‌های شناختی یا «الگوهای مؤثر درونی»^{۱۶} در مورد خود و دیگران منجر می‌شود که به‌عنوان یک راهنما برای رفتارهای خود و انتظار از دیگران در روابط نزدیک کمک می‌کند (دایموند^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۳) و اصطلاح سبک‌های دلبستگی بزرگسالان به مجموعه‌ای از اطلاعات، انتظارات و ناایمنی‌ها اشاره دارد که افراد در مورد خود و روابط نزدیک دارند (فرالی و رویسمن^{۱۸}، ۲۰۱۹) و نیز الگوهای بین فردی مشترک، سبک‌های تنظیم عواطف و تجربه «خود» در رابطه با دیگران را شکل می‌دهند (تاسکا^{۱۹}، ۲۰۱۴). پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی به عنوان

1 Zhou

2 Kim

3 cyberbullying

4 Teng

5 Patchin & Hinduja

6 Pascual-Sanchez & Nicholls

7 Chan

8 Chan & Wong

9 Gohal

10 Canestrari

11 London

12- secure

13 insecure avoidant

14 insecure ambivalent

15 Sun & Miller

16 internal working models

17 Diamond

18 Fraley & Roisman

19 Tasca

یک عامل تحول در شکل‌گیری شخصیت، تعیین‌کننده‌ای مهم هستند (موریرا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). نظریه دلبستگی به سبک‌های دلبستگی به عنوان ویژگی‌های شخصیتی پایدار می‌نگرد که شناخت‌ها، هیجانات و رفتارها را در سراسر زندگی سازمان‌دهی می‌کند (هاماما-راز و سولومون^۲، ۲۰۰۶؛ به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۹۹). یانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود بیان کردند که افراد با دلبستگی اضطرابی بالا تمایل به رفتار مخاطره‌آمیز و بیش از حد خود افشاگری در رسانه‌های اجتماعی دارند که به نوبه خود آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. نتایج مطالعات بررسی شده در پژوهش حاجی علیانی و نوری (۱۴۰۰) حاکی از نقش سبک‌های فرزند پروری و دلبستگی در بروز رفتارهای قلدرانه است. بر این اساس مشخص گردیده نوجوانانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی بودند، رفتارهای قلدرانه بیشتری از خود نشان می‌دهند.

بر اساس مطالب مذکور، سبک‌های دلبستگی می‌توانند نقش مهمی در قلدری سایبری داشته باشند. با این حال، آنچه اهمیت دارد، شناسایی مکانیسم‌های میانجی است که در ارتباط بین این عامل و قلدری سایبری نقش دارند. یکی از این متغیرهای میانجی سه‌گانه تاریخ شخصیت^۴ است (نیکیش^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). پالهاوس و ویلیامز^۶ (۲۰۰۲) سه‌گانه تاریخ را با سه ویژگی شخصیتی ضد اجتماعی غیربالیبی مشخص می‌کنند که شامل ماکیاولیسم^۷ (فریب دیگران)، خودشیفتگی^۸ (غرور، حق به جانب بودن، سلطه‌گری و برتری‌طلبی) و جامعه‌ستیزی^۹ (تکانشگری و هیجان‌طلبی بالا، همراه با همدلی و اضطراب پایین) است. صفت‌هایی که سه‌گانه تاریخ شخصیت را تشکیل می‌دهند، در تعدادی از ویژگی‌ها مشترک و به درجات مختلف هر سه آن‌ها نمایانگر یک منش اجتماعی بدخواه همراه با گرایش‌های رفتاری در جهت خودافزایی، سردی هیجانی، دوگانگی و پرخاشگری هستند (زابو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳). نمرات بالا در سطح جامعه‌ستیزی و ماکیاولیسم، با فحاشی و پرخاشگری بیشتر کاربران همراه است و هر دوی این صفات ارتباط منفی و معنی‌داری با هیجانات مثبت دارند. خودشیفتگی نیز با سطوح بالای اعمال نفوذ بر دیگران از طریق رفتارهای آنلاین همراه است (باهیر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). گاجدا و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۲) در پژوهشی آنلاین چنین دریافتند که تمام ویژگی‌های شخصیتی تاریخ با سطوح بالاتری از قلدری سایبری و قربانی شدن سایبری مرتبط‌اند. نتایج پژوهش صادقی و علیزاده فرد (۱۴۰۱) نیز حاکی از این بود که صفات تاریخ شخصیت کلی، مؤلفه‌های ماکیاولی و خودشیفته و گذشته منفی می‌توانند در مجموع ۶۱ درصد از تغییرات رفتار قلدری در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. جوزی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود بیان کردند که بین سبک دلبستگی ایمن با سه‌گانه تاریخ شخصیت رابطه منفی معنادار و بین دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه نوجوانی دورانی حساس و تحولی در زندگی هر انسان است، شناخت عمیق‌تر و ایجاد آگاهی در این رابطه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی، روابط خانوادگی، روابط میان فردی و تعاملات آنلاین این گروه سنی به عنوان نسل آینده و به تبع آن ارتقاء سلامت روانی جامعه کمک کند. توجه عمومی به معضل قلدری سایبری در بالاترین حد خود قرار دارد. به این ترتیب، تحقیقات خوب برای روشن شدن دقیق‌تر ماهیت و میزان این رفتار، همراه با علل و پیامدهای مرتبط با آن لازم است؛ چراکه استفاده از فناوری، اطلاعات و ارتباطات در حال افزایش است و از سویی تغییر می‌کند و در آینده چالش‌های جدیدتری به وجود خواهد آمد؛ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی مدل قلدری سایبری بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی صفات تاریخ شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی بود.

1 Moreira
 2 Hamama-Raz & Solomon
 3 Yang
 4 dark triad personality
 5 Nickisch
 6 Paulhus & Williams
 7 machiavellianism
 8 narcissism
 9 psychopathy
 10 Szabó
 11 Baheer
 12 Gajda

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول و دوم (پایه‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم) ۱۴ تا ۱۸ سال شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. برای تعیین حجم نمونه از نظر کلین^۱ (۲۰۲۳) استفاده شد. براساس نظر کلین حداقل حجم نمونه مورد نیاز در پژوهش‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری، زمانی که متغیرهای مشهود بین ۱۱ تا ۱۵ عدد باشند، ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای نمونه‌ای به تعداد ۴۵۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند که در نهایت داده‌های مربوط به ۴۰۰ نفر قابل تجزیه و تحلیل بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و دریافت خدمات درمانی دارویی یا روانشناختی و پایه تحصیلی نهم تا دوازدهم و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت حضوری از طریق پرسشنامه‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار گرفت به آن‌ها پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه است. پژوهشگران با دقت ملاحظه‌های اخلاقی را رعایت کردند تا از هرگونه آسیب جسمی یا روانی به شرکت‌کنندگان اجتناب کنند که شامل آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی ناشی از شرکت در پژوهش می‌شد. همچنین ذکر شد چنانچه شرکت‌کنندگان تمایل به دانستن نتایج پژوهش را دارند، پس از اتمام پژوهش، نتایج در اختیارشان قرار خواهد گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه تجربه قلدری - قربانی سایبری^۲ (CBVEQ): پرسشنامه قلدری سایبری توسط آنتونیادو^۳ و همکاران (۲۰۱۶) به منظور سنجش تجربه قلدری - قربانی سایبری در دانش‌آموزان طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از «هرگز» (نمره ۱) تا «هر روز» (نمره ۵) صورت می‌گیرد. در این پژوهش، کسب نمره ۳۰ به عنوان وجود قلدری سایبری مشخص شده است. روایی همگرایی این پرسشنامه با پرسشنامه قلدری-قربانی اولوبوس^۴ (۰/۷۸) و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برای عامل قلدری ۰/۸۹ و برای عامل قربانی ۰/۸۰ گزارش شده است (آنتونیادو و همکاران، ۲۰۱۶). این پرسشنامه در ایران توسط بشرپور و زردی (۱۳۹۸) مورد اعتبارسنجی قرار گرفته است. براین اساس، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل قلدری سایبری و قربانی سایبری و برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ به دست آمده است. در مطالعه آن‌ها شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که این ابزار از روایی سازه برخوردار است. در این پژوهش مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای قلدری سایبری ۰/۸۹ و برای قربانی شدن سایبری ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسال^۵ (RAAS): کالینز و رید^۶ (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، (۱۳۸۰) براساس توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور^۷ (۱۹۸۷) در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد مقیاس خود را تدارک دیده‌اند. این مقیاس دارای سه زیرمولفه وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب است که مجموعاً ۱۸ گویه را شامل می‌شود. زیرمقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن، یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر^۸، ۱۹۹۶). به این ترتیب، نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن قرار می‌گیرد و زیرمقیاس وابستگی تقریباً معکوس دلبستگی اجتنابی است. کالینز و رید (۱۹۹۰) در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان برابر یا بیشتر از ۰/۸۰ گزارش داده‌اند و همچنین مقدار روایی همزمان این ابزار با پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ^۹ (۱۹۶۵) برای سبک دلبستگی نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۱۹، ۰/۱۳ و ۰/۲۹-

1 Kline

2 Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire

3 Antoniadou

4 Olweus

5 Revised Adult Attachment Scale

6 Collins & Read

7 Hazan & Shaver

8 Feeney & Nowler

9 Rosenberg Self Esteem Scale

و با سیاهه رفتار اجتماعی تکزاس^۱ هلمریچ و ستاپ^۲ (۱۹۷۴) به ترتیب ۰/۲۲، ۰/۲۹ و ۰/۳۰- به دست آوردند. از سوی دیگر، در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان پایایی آزمون در حد مطلوبی گزارش شده است. پایایی زیرمقیاس‌های این مقیاس نیز هم از طریق آلفای کرونباخ و هم از روش بازآزمایی پس از دو ماه، بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش شده است. این پرسشنامه در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر، بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای پایایی است. در بررسی پاکدامن، روایی سازه این پرسشنامه از طریق ارتباط زیرمقیاس‌های وابستگی و نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در سطح معنادار ۰/۰۰۱ به ترتیب با مقادیر ۰/۳۱-، ۰/۳۳- و ۰/۳۱- و زیرمقیاس نزدیک بودن و اضطراب در سطح معنادار ۰/۰۱۴ با مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد (پاکدامن، ۱۳۸۰). در این پژوهش مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دل بستگی ایمن ۰/۷۱، سبک دل بستگی دوسوگرا/ اضطرابی ۰/۷۴ و اجتنابی ۰/۶۹ به دست آمد.

مقیاس سه صفت شخصیت تاریک^۳ (DTDDS): مقیاس شخصیت تاریک توسط جانسون و وبستر^۴ (۲۰۱۰) ساخته شده است و شامل ۱۲ گویه است که سه صفت تاریک ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی را می‌سنجد. آزمودنی‌ها به گویه‌های این آزمون در مقیاس لیکرت ۹ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۹ (کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند که نمره بالا نشان‌دهنده بیشتر بودن آن صفت در فرد است و بالعکس. در این مقیاس، هر کدام از سه صفت تاریک شخصیت توسط ۴ گویه سنجیده می‌شود و نمره افراد می‌تواند برای هر بعد بین ۴ تا ۳۶ باشد. خرده آزمون‌های این ابزار همبستگی خوبی با پرسشنامه‌های خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و مقیاس سایکوپاتی دارند. ضریب پایایی بازآزمایی در فاصله زمانی ۳۰ روزه برای کل مقیاس ۰/۸۹، برای ماکیاول‌گرایی ۰/۸۶، برای سایکوپاتی ۰/۷۶ و برای خودشیفتگی ۰/۸۷ گزارش شده است. روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۷۳ مورد تأیید قرار گرفت (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰). سؤالات ۱ تا ۴ در این مقیاس به صفت ماکیاول‌گرایی، سؤالات ۵ تا ۸ صفت خودشیفتگی و سؤالات ۹ تا ۱۲ صفت سایکوپاتی را اندازه‌گیری می‌کند. روایی پرسشنامه از طریق تحقیقات قبلی و همچنین نظر اساتید دانشگاهی قابل تأیید بوده و پایایی آن نیز به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۶۹ گزارش شده است (بشرپور و شفیع، ۱۳۹۴). بشرپور و همکاران (۱۴۰۰) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هر سه عامل ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های خودشیفتگی ۰/۸۲، ماکیاولیسم ۰/۶۷ و جامعه‌سنجی ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۴۰۰ دانش‌آموز (۲۵۸ پسر و ۱۴۲ دختر) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب برابر با ۱۵/۶۱ و ۱/۱۳ سال شرکت کردند. در بین شرکت‌کنندگان ۷۳ نفر (۱۸/۳ درصد) در مقطع متوسطه اول و ۳۲۷ نفر (۸۱/۷ درصد) در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند. در نهایت ۱۸۳ نفر (۴۵/۸ درصد) از شرکت‌کنندگان کمتر از ۲ ساعت، ۱۴۵ نفر (۳۶/۳ درصد) ۲ تا ۴ ساعت و ۷۲ نفر (۱۸ درصد) بیشتر از ۴ ساعت در روز وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کردند. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. سبک‌های دل بستگی - ایمن	-							
۲. سبک‌های دل بستگی - اجتنابی	-۰/۴۴**	-						
۳. سبک‌های دل بستگی - دوسوگرا	-۰/۵۳**	۰/۵۳**	-					

1 Texas Social Behavior Inventory

2 Helmreich & Stapp

3 Scale Dark personality triad traits

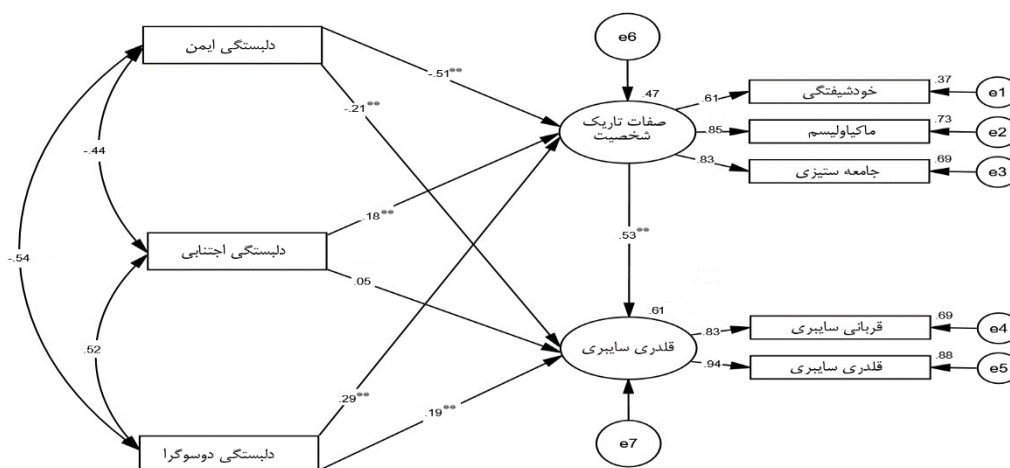
4 Jonason & Webster

تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و قلدری سایبری براساس نقش میانجی‌گر صفات تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی
 Explaining the causal relationships between attachment styles and cyberbullying based on the mediating role of dark ...

۴. صفات تاریک شخصیت- خودشیفتگی	۰/۴۵**	۰/۳۴**	۰/۴۹**	-	-	-	-
۵. صفات تاریک شخصیت- ماکیاولیسم	۰/۶۴**	۰/۴۵**	۰/۵۱**	۰/۵۱**	-	-	-
۶. صفات تاریک شخصیت- جامعه‌ستیزی	۰/۶۱**	۰/۴۸**	۰/۵۳**	۰/۴۷**	۰/۶۸**	-	-
۷. قلدری سایبری- قربانی سایبری	۰/۴۱**	۰/۴۳**	۰/۵۷**	۰/۴۱**	۰/۳۸**	۰/۴۳**	-
۸. قلدری سایبری- قلدری سایبری	۰/۵۸**	۰/۵۰**	۰/۶۱**	۰/۳۹**	۰/۴۷**	۰/۶۸**	-
میانگین	۱۴/۷۸	۱۲/۲۶	۱۳/۷۹	۱۳/۹۲	۸/۷۱	۹/۵۶	۱۷/۷۲
انحراف معیار	۳/۹۷	۳/۲۴	۳/۱۹	۳/۸۰	۲/۶۸	۲/۷۸	۴/۴۳
کجی	۰/۱۷	۰/۲۹	-۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۶۷	۰/۳۴	۰/۱۱
کشیدگی	-۰/۹۵	-۰/۸۲	-۱/۲۰	-۱/۱۸	-۰/۹۶	۱/۲۲	-۰/۴۶
							۱۷/۰۱
							۴/۸۲
							۰/۳۵
							-۱/۵۴

* P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

جدول ۱ ضرایب همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد که بر اساس آن جهت همبستگی بین متغیرها منطبق بر انتظار و همسو با تئوری‌های حوزه پژوهش بود. همچنین مقادیر کشیدگی و چولگی همه مؤلفه‌ها در محدوده ± 2 قرار دارد، بنابراین مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری برقرار بود. جدول ۱ نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است؛ زیرا که مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش‌بین بزرگ‌تر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس هر یک از آن‌ها کوچک‌تر از ۱۰ بود. در این پژوهش به منظور ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس»^۱ استفاده شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلنوبایس به ترتیب برابر با ۱/۳۰ و ۱/۵۹ به دست آمد. بدین ترتیب شاخص‌های چولگی و کشیدگی برای فاصله مهلنوبایس در محدوده ± 2 قرار داشت؛ بنابراین می‌توان گفت مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری در بین داده‌ها برقرار بود. در نهایت بررسی نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها^۲ نشان داد که مفروضه همگنی واریانس‌ها در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. همچنان که پیش‌تر اشاره شده برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. ابتدا چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد در مدل پژوهش دو متغیر صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری مکنون بوده و فرض شده بود که صفات تاریک شخصیت به وسیله نشانگرهای خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی و قلدری سایبری به وسیله نشانگرهای قربانی سایبری و قلدری سایبری سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، نرم‌افزار AMOS 26.0 و برآورد بیشینه احتمال^۳ (ML) ارزیابی شد. جدول ۲ ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل اصلاح شده قلدری سایبری بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی صفات تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی

1 Mahalanobis distance
 2 standardized residuals
 3 Maximum Likelihood

شکل ۱ نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای متغیر قلدری سایبری برابر با ۰/۶۱ به دست آمده است. این موضوع بیانگر آن است که سبک‌های دل‌بستگی و صفات تاریک شخصیت در مجموع ۶۱ درصد از واریانس قلدری سایبری را در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی تبیین می‌کند.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

p	β	S.E	b	ضرایب مسیر
۰/۰۰۱	-۰/۲۸۶	۰/۰۴۲	۰/۲۰۰	دل‌بستگی دوسوگرا ← صفات تاریک شخصیت
۰/۰۰۱	-۰/۵۰۷	۰/۰۳۰	-۰/۲۹۶	دل‌بستگی ایمن ← صفات تاریک شخصیت
۰/۰۰۱	۰/۱۷۹	۰/۰۳۴	۰/۱۲۸	دل‌بستگی اجتنابی ← صفات تاریک شخصیت
۰/۰۰۱	۰/۵۳۴	۰/۱۵۱	۰/۸۴۹	صفات تاریک شخصیت ← قلدری سایبری
۰/۰۰۱	۰/۱۹۳	۰/۰۵۹	۰/۲۱۵	دل‌بستگی دوسوگرا ← قلدری سایبری
۰/۰۰۱	-۰/۲۰۸	۰/۰۶۱	-۰/۱۹۳	دل‌بستگی ایمن ← قلدری سایبری
۰/۲۹۴	۰/۰۴۷	۰/۰۵۰	۰/۰۵۴	دل‌بستگی اجتنابی ← قلدری سایبری

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ضرایب مسیرهای مستقیم بین سبک‌های دل‌بستگی با صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری، و صفات تاریک شخصیت با قلدری سایبری رابطه معناداری داشتند ($p < ۰/۰۰۱$). در ادامه و در جدول ۳ ضرایب مسیر غیر مستقیم ذکر شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

p	β	S.E	b	مسیر
۰/۰۰۱	۰/۱۵۳	۰/۰۴۵	۰/۱۷۰	دل‌بستگی دوسوگرا ← صفات تاریک شخصیت ← قلدری سایبری
۰/۰۰۱	-۰/۲۷۰	۰/۰۴۹	-۰/۲۵۱	دل‌بستگی ایمن ← صفات تاریک شخصیت ← قلدری سایبری
۰/۰۰۱	۰/۰۹۵	۰/۰۳۲	۰/۱۰۸	دل‌بستگی اجتنابی ← صفات تاریک شخصیت ← قلدری سایبری

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که ضرایب مسیر غیرمستقیم بین سبک دل‌بستگی ایمن با قلدری سایبری ($P = ۰/۰۰۱$)، $\beta = ۰/۲۷۰$ منفی و ضرایب مسیر غیرمستقیم بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا ($P = ۰/۰۰۱$)، $\beta = ۰/۱۵۳$ و سبک دل‌بستگی اجتنابی ($P = ۰/۰۰۱$)، $\beta = ۰/۰۹۵$ با قلدری سایبری مثبت و معنادار است. جدول ۴ شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری اصلاح شده پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

نقطه برش	مدل ساختاری بعد از اصلاح	شاخص برازندگی
-	۴۲/۰۵	مجذور کای
-	۱۳	درجه آزادی
کمتر از ۳	۳/۲۴	نسبت خی دو به درجه آزادی
۰/۹۰ >	۰/۹۷۴	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۸۵ >	۰/۹۲۸	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)
۰/۹۰ >	۰/۹۸۹	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۸ <	۰/۰۷۵	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)

جدول ۴ نشان می‌دهد که همه شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند. در مدل اندازه‌گیری بزرگ‌ترین بار عاملی در مدل اندازه‌گیری متعلق به نشانگر قلدری سایبری ($\beta = ۰/۹۵۲$) و کوچک‌ترین بار عاملی متعلق

تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و قلدری سایبری براساس نقش میانجی‌گر صفات تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی
Explaining the causal relationships between attachment styles and cyberbullying based on the mediating role of dark ...

به نشانگر خودشیفتگی ($\beta=0/590$) بود. بدین ترتیب با توجه به اینکه بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از $0/32$ بود، می‌توان گفت همه آن‌ها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند. لازم به توضیح است که طبق دیدگاه تاب‌چینک و فیدل (۲۰۰۷)، بارهای عاملی $0/71$ و بالاتر از آن عالی، بارهای بین $0/63$ تا $0/70$ خیلی خوب، بارهای بین $0/55$ تا $0/62$ خوب، بارهای بین $0/45$ تا $0/55$ نسبتاً خوب، بارهای بین $0/32$ تا $0/44$ پایین و بارهای پایین‌تر از $0/32$ ضعیف محسوب می‌شود. بر این اساس چنین نتیجه‌گیری شد که در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی صفات تاریک شخصیت رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با قلدری سایبری را به صورت منفی و رابطه بین دو سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با قلدری سایبری را به صورت مثبت و معنادار میانجی‌گری می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل قلدری سایبری بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی صفات تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی توانستند به صورت غیر مستقیم و از طریق صفات تاریک شخصیت، قلدری سایبری در نوجوانان را پیش‌بینی کنند. این یافته با پژوهش‌های یانگ و همکاران (۲۰۲۳)؛ گاجدا و همکاران (۲۰۲۲)؛ جوزی و همکاران (۱۴۰۱)؛ صادقی و عزیززاده فرد (۱۴۰۱) و نیکبیچ و همکاران، (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً از روابط مثبت و حمایت‌گرانه‌تری برخوردارند. این افراد اغلب احساس ارزشمندی و خود پنداره بهتری دارند که آن‌ها را از بروز رفتارهای قلدری دور می‌کند (دایموند و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، ممکن است از طریق ماکیااول‌گرایی، سایکوپاتی یا خودشیفتگی به دنبال توضیح نیازهای عاطفی خود باشند و این صفات تاریک می‌توانند آن‌ها را به رفتارهای آسیب‌زننده و قلدری سایبری سوق دهند (یانگ و همکاران، ۲۰۲۳)؛ بنابراین، سبک دلبستگی ایمن می‌تواند با کاهش تمایل به بروز این صفات تاریک، به‌طور غیرمستقیم بر کاهش قلدری سایبری تأثیر بگذارد. علاوه بر این، دلبستگی ایمن باعث می‌شود که افراد توانایی بهتری در مدیریت و انجام تعاملات اجتماعی داشته باشند. این قابلیت به آن‌ها کمک می‌کند تا به طور مؤثرتری احساسات خود و دیگران را مدیریت کنند. در عوض، افرادی که دارای صفات تاریک شخصیت هستند، ممکن است به دلیل فقدان یا اختلال در این توانایی‌ها، به رفتارهای ناسالم و قلدری روی آورند. در اینجا، روابط معکوس بین دلبستگی ایمن و صفات تاریک شخصیت برجسته می‌شود. دلبستگی ایمن می‌تواند به جلوگیری از ظهور صفات تاریک کمک کند که این به نوبه خود می‌تواند به جلوگیری از قلدری سایبری منجر شود (صادقی و عزیززاده فرد، ۱۴۰۱). در نهایت افرادی که دلبستگی ایمن دارند، نه تنها به ندرت قلدری می‌کنند، بلکه تمایل بیشتری به رفتارهای همدلانه و حمایت‌گرانه از خود نشان می‌دهند. این امر می‌تواند به ترویج یک محیط اجتماعی مثبت کمک کند که قلدری سایبری را کاهش می‌دهد. از این رو، ارتباط میان دلبستگی ایمن، صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری را می‌توان به عنوان یک چرخه منفی و مثبت در نظر گرفت که در نهایت بر رفتارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد (نیکبیچ و همکاران، ۲۰۲۰). از سویی دیگر افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند، معمولاً تمایل دارند از نزدیکی عاطفی و ارتباطات نزدیک با دیگران دوری کنند. این دوری می‌تواند به افزایش احساس تنهایی و انزوا منجر شود که ممکن است موجب بروز صفات تاریک مانند ماکیااول‌گرایی یا سایکوپاتی شود. در واقع، نیاز به تسلط و کنترل برای کاهش احساس ضعف و عدم اعتماد به نفس ممکن است این افراد را به رفتارهای قلدری سایبری سوق دهد. علاوه بر این، سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند به شکل‌گیری شخصیت‌هایی منجر شود که قابلیت همدلی کمتری دارند (سان و میلر، ۲۰۲۳). این افراد به دلیل ترس از صمیمیت و وابستگی، احساسات و نیازهای دیگران را کمتر درک می‌کنند که در نتیجه می‌تواند به رفتارهای آسیب‌زا و قلدری منجر شود. به‌عبارت دیگر، افرادی که دارای صفات تاریک شخصیت هستند، معمولاً نمی‌توانند از زاویه دید دیگران به موقعیت‌ها نگاه کنند و این نقص در همدلی می‌تواند آن‌ها را به سمت قلدری سایبری به‌عنوان راهی برای ابراز قدرت و کنترل سوق دهد. افرادی که این سبک دلبستگی را دارند، به جای ارتباط مثبت و اجتماعی، ممکن است انتخاب کنند که از راه‌های زیرکانه و مخرب برای مدیریت احساسات خود استفاده کنند؛ بنابراین دلبستگی اجتنابی از طریق صفات تاریک موجب بروز رفتارهای قلدری سایبری می‌شود، به این ترتیب که از عدم توانایی در برقراری ارتباطات سالم و مثبت نشأت می‌گیرد (گاجدا و همکاران، ۲۰۲۲).

در نهایت افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا معمولاً در روابطشان با دیگران دچار تناقض و سردرگمی هستند؛ آن‌ها از یک سو به نزدیکی و صمیمیت نیاز دارند، اما از سوی دیگر، از آن می‌ترسند و به دنبال فاصله‌گذاری هستند. این ناپایداری عاطفی می‌تواند موجب بروز صفات تاریک مانند خودشیفتگی یا سایکوپاتی شود، زیرا این افراد ممکن است برای جبران احساسات نارضایتی و عدم امنیت عاطفی به رفتارهای

کنترل گر و تضعیف کننده دیگران روی آورند. علاوه بر این، افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا ممکن است در ابراز احساسات واقعی خود مشکل داشته باشند و نتوانند به طور سالمی نیازهای عاطفی خود را مدیریت کنند (لاندن و همکاران، ۲۰۲۳). آن‌ها به دلیل تضادهای درونی، ممکن است به رفتارهای متضاد و مخرب متوسل شوند که نه تنها خودشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند موجب بروز قلدری سایبری به عنوان یک مکانیسم دفاعی نیز شود. این رفتارها به ویژه در محیط‌های آنلاین که امکان پنهان کاری و عدم رویارویی مستقیم با دیگران وجود دارد، تقویت می‌شود و افراد احساس قداست و قدرت کاذب می‌کنند. با توجه به مشکلات عاطفی و عدم توانایی در برقراری روابط سالم، افراد با دلبستگی دوسوگرا ممکن است به خاطر احساس‌های عمیق نامنی و ترس از روابط واقعی، به قلدری سایبری روی آورند. در نتیجه، این یافته می‌تواند به عنوان یک مدل برای درک رفتارهای قلدری در فضای مجازی در میان افرادی که دارای سبک دلبستگی دوسوگرا هستند، عمل کند و نشان دهد که چطور ناتوانی در برقراری ارتباط سالم می‌تواند به رفتارهای آسیب‌زننده و قلدری منجر شود (گاجدا و همکاران، ۲۰۲۲).

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر یک از این سبک‌های دلبستگی به ویژه بر رفتارهای اجتماعی و قلمرو قلدری سایبری تأثیرگذارند. افراد با سبک دلبستگی ایمن به دلیل برخورداری از روابط حمایتی و مثبت، کمتر به صفات تاریک شخصیت و رفتارهای قلدری سمت‌وسو می‌یابند. در مقابل، سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا می‌توانند منجر به بروز صفات تاریک شخصیت شوند که در نهایت با تقویت نیاز به کنترل و قدرت، به رفتارهای قلدری سایبری منجر می‌شود. سبک دلبستگی اجتنابی از طریق ایجاد انزوا و کاهش همدلی و سبک دلبستگی دوسوگرا از طریق ناپایداری عاطفی و رفتارهای متضاد، هر دو به طور غیرمستقیم به افزایش قلدری سایبری کمک می‌کنند.

در زمینه محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مقطعی بودن اشاره کرد، از آنجایی که مطالعه مبتنی بر همبستگی بود، بنابراین نتیجه‌گیری و استنباط از این مطالعه نیز باید بر اساس روابط همبستگی صورت گیرد نه بر اساس روابط علت و معلولی؛ همچنین در پژوهش حاضر از مقیاس‌های خود گزارشی استفاده شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در بین نوجوانان شهر تهران انجام پذیرفت، در تعمیم نتایج باید محتاط بود. پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در سایر شهرها صورت پذیرد و نتیجه‌ی آن با نتیجه‌ی پژوهش حاضر مقایسه گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان بالینی با انجام پژوهش‌های دیگر و بررسی سایر متغیرهای روان‌شناختی، قلدری سایبری را بهتر و جامع‌تر بررسی کنند و از نتایج این پژوهش در راستای کمک به بهبود شرایط نوجوانان استفاده کنند.

منابع

- بشرپور، س؛ و زردی، ب. (۱۳۹۸). خصوصیات روانسنجی مقیاس تجربه قلدری-قربانی سایبری در دانش‌آموزان، *مجله روانشناسی مدرسه*، ۸(۱)، ۵۷-۴۳. https://jssp.uma.ac.ir/article_795.html
- بشرپور، س، و شفیعی، م. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۹(۱)، ۱۱-۱. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20080166.1394.9.1.1.9>
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- حاجی علیانی، و؛ و نوری، ر. (۱۴۰۰). بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی: یک مطالعه مروری. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۵)، ۱۹۵-۲۰۸. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.5.11.9>
- جوزی، ح؛ رمضانپور، ف؛ و بگیان کوله مرز، م. (۱۴۰۱). الگویی ساختاری سبک‌های دلبستگی، سه گانه تاریک شخصیت، حساسیت به طرد شدن با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۲(۴۸)، ۱-۲۰. <https://doi.org/10.22034/spr.2023.337598.1745>
- صادقی، س؛ و علیزاده فرد، ل. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتار قلدری دانش‌آموزان بر اساس صفات تاریک شخصیت و چشم‌انداز زمان. *فصلنامه پژوهشی روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۱۱(۳)، ۷۱-۵۷. <https://doi.org/10.22098/jsp.2022.1823>
- موسوی، ط؛ پورحسین، ر؛ بشارت، م؛ و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۹). پیش‌بینی سازگاری با سرطان در محیط خانوادگی بر اساس سبک‌های دلبستگی، سخت‌کوشی و حمایت اجتماعی. *علوم روانشناختی*، ۱۹(۹۲)، ۹۶۹-۹۷۹. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.92.12.2>
- Antoniadou, N., Kokkinos, C. M., & Markos, A. (2016). Development, construct validation and measurement invariance of the Greek Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire (CBVEQ-G). *Computers in Human Behavior*, 65, 380-390. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.08.032>

تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و قلدری سایبری براساس نقش میانجی‌گر صفات تاریک شخصیت در کاربران نوجوان شبکه‌های اجتماعی
Explaining the causal relationships between attachment styles and cyberbullying based on the mediating role of dark ...

- Baheer, R., Khan, K. I., Rafiq, Z., & Rashid, T. (2023). Impact of dark triad personality traits on turnover intention and mental health of employees through cyberbullying. *Cogent Business & Management*, 10(1), 2191777. <https://doi.org/10.1080/23311975.2023.2191777>
- Canestrari, C., Arroyo, G. D. M., Carrieri, A., Muzi, M., & Fermani, A. (2023). Parental attachment and cyberbullying victims: the mediation effect of gelotophobia. *Current Psychology*, 42(19), 16401-16412. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-01642-6>
- Chan, T. K. H., Cheung, C. M. K., & Lee, Z. W. Y. (2021). Cyberbullying on social networking sites: A literature review and future research directions. *Information & Management*, 58 (2), Article 103411. <https://doi.org/10.1016/j.im.2020.103411>
- Chan, H. C. (O.), & Wong, D. S. W. (2019). Traditional school bullying and cyberbullying perpetration: Examining the psychosocial characteristics of Hong Kong male and female adolescents. *Youth & Society*, 51(1), 3–29. <https://doi.org/10.1177/0044118X16658053>
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644–663. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644>
- Diamond, D., Keefe, J. R., Hörz-Sagstetter, S., Fischer-Kern, M., Doering, S., & Buchheim, A. (2023). Changes in attachment representation and personality organization in transference-focused psychotherapy. *American Journal of Psychotherapy*, 76(1), 31-38. <https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.20220018>
- Fraley, R. C., & Roisman, G. I. (2019). The development of adult attachment styles: four lessons. *Current Opinion in Psychology*, 25, 26-30. <https://doi.org/doi:10.1016/j.copsyc.2018.02.008>
- Gajda, A., Moroń, M., Królik, M., Małuch, M., & Mraczek, M. (2022). The Dark Tetrad, cyber victimization, and cyberbullying: The role of moral disengagement. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03456-6>
- Gohal, G., Alqassim, A., Eltyeb, E., Rayyani, A., Hakami, B., Al Faqih, A., Hakami, A., Qadri, A., & Mahfouz, M. (2023). Prevalence and related risks of cyberbullying and its effects on adolescent. *BMC psychiatry*, 23(1), 39. <https://doi.org/10.1186/s12888-023-04542-0>
- Jonason, P. K., Webster, G. D. (2010). The Dirty Dozen: A Concise Measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*, 22, 2, 420–432. <https://doi.org/10.1037/a0019265>
- Kim, J. H., Song, H. Y., & Jung, G. H. (2024). Relationship between positive parenting and cyberbullying perpetration among adolescents: Role of self-esteem and smartphone addiction. *Frontiers in Psychology*, 14, Article 1252424. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1252424>
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- London, M., Volmer, J., Zyberaj, J., & Kluger, A. N. (2023). Attachment style and quality listening: Keys to meaningful feedback and stronger leader-member connections. *Organizational Dynamics*, 52(2), 100977. <https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2023.100977>
- Moreira, P., Pedras, S., Silva, M., Moreira, M., & Oliveira, J. (2021). Personality, attachment, and well-being in adolescents: The independent effect of attachment after controlling for personality. *Journal of Happiness Studies: An Interdisciplinary Forum on Subjective Well-Being*, 22(4), 1855–1888. <https://doi.org/10.1007/s10902-020-00299-5>
- Nickisch, A., Palazova, M., & Ziegler, M. (2020). Dark personalities–dark relationships? An investigation of the relation between the Dark Tetrad and attachment styles. *Personality and Individual Differences*, 167, 110227. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110227>
- Pascual-Sanchez, A., & Nicholls, D. (2023). Chapter 2 - Cyberbullying in young people. In M. Hodes & P. J. De Vries (Eds.), *Shaping the Future of Child and Adolescent Mental Health* (pp. 33-56). Academic Press.
- Patchin, J. W., & Hinduja, P. D. S. (2020). Tween Cyberbullying. *Cyberbullying Research Center: Jupiter, FL, USA*.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The Dark Triad of personality: Narcissism, Machiavellianism and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36(6), 556–563. [https://doi.org/10.1016/S0092-6566\(02\)00505-6](https://doi.org/10.1016/S0092-6566(02)00505-6)
- Sun, J., & Miller, C. H. (2023). Insecure attachment styles and phubbing: The mediating role of problematic smartphone use. *Human Behavior and Emerging Technologies*, 2023(1), 4331787. <https://doi.org/10.1155/2023/4331787>
- Szabó, Z. P., Diller, S. J., Czibor, A., Restás, P., Jonas, E., & Frey, D. (2023). “One of these things is not like the others”: The associations between dark triad personality traits, work attitudes, and work-related motivation. *Personality and Individual Differences*, 205, 1–10. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2023.112098>
- Tasca, G. A. (2014). Attachment and group psychotherapy: Introduction to a special section. *Psychotherapy*, 51, 53–56. <https://doi.org/10.1007/s10804-012-9144-4>
- Teng, T. H., Varathan, K. D., & Crestani, F. (2024). A comprehensive review of cyberbullying-related content classification in online social media. *Expert Systems with Applications*, 244, 122644. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2023.122644>
- Yang, X., Huang, Y., & Li, B. (2023). Attachment anxiety and cyberbullying victimization in college students: the mediating role of social media self-disclosure and the moderating role of gender. *Frontiers in psychology*, 14, 1274517. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1274517>
- Zhou, X. (2023). Social Psychoanalysis of Adolescents in Cyberspace. *Probe-Media and Communication Studies*, 5(4). <https://doi.org/10.59429/pmcs.v5i4.1199>